صدای مشاور
ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ پرسش‌های حقوقی خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.
پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

وقتی فروشنده سند ملک را به نام خریدار منتقل نمی‌کند

فرزانه عمادی

در مواقعی که قصد خرید ملکی را داشته و می‌خواهید آن را در دفترخانه اسناد رسمی به ثبت برسانید چنانچه مبلغی را هم به عنوان پیش پرداخت به فروشنده پرداخت کرده باشید، به این نکته توجه کنید که در قولنامه‌های عادی که دارای کدرهگیری هستند، معمولا در ماده ۴ آن به موضوع تعهد خریدار و فروشنده مبنی بر حضور در دفترخانه تعیین شده در این ماده اشاره دارد. بنابر این جاهای خالی یا نقطه چین در ماده ۴ مبایعه نامه یا قولنامه را با دقت و خوانا تکمیل کنید. در صورتی که فروشنده با تمامی شرایط موجود در مبایعه نامه در دفترخانه حضور پیدا نکند تا سند ملک را به نام شما منتقل کند در این صورت، ابتدا با استشهادیه و شهادت شهودی که بتوانند حضور شما را در دفترخانه گواهی دهند موضوع حضور خود را در تاریخ و وقت معین اثبات کنید. توجه داشته باشید که دفترخانه می‌تواند به شما گواهی عدم حضور فروشنده را ارائه دهد در صورتی که از دادن این گواهی خودداری کرد از دفترخانه تقاضا کنید حضور شما را در وقت تعیین شده تصدیق کند که این گواهی از اهمیت بالایی برخوردار است. در نهایت با ارسال اظهارنامه برای فروشنده به صورت رسمی ابلاغ کنید که شما در وقت تعیین شده وقراری که با یکدیگر گذاشته اید در دفترخانه حضور پیدا کرده اید و برای مطالبه حق خود در دادگاه صالح اقامه دعوی کنید.

داستان پلیسی

یک کبوتر چاهی توی آبی آسمان (قسمت آخر)

ایلیا موسایی

آن روز بی‌بی همانجا روی پشت بام نشست و غرولند کرد. از آن طرف جمال رفت روی بام خودشان و همه کبوترهایش را پر داد توی آسمان و برایشان سوت زد که اوج بگیرند و چوب بلندش را که یک پارچه سیاه به سرش بسته بود توی هوا چرخاند. انگار نه انگار چیزی شده باشد و همین باعث شد بی‌بی بیشتر و بیشتر حرص بخورد. آخرش بی‌بی آن قدر گفت و گفت که خاله باقیچی آشپزخانه آمد بالای بام و تهدید کرد که اگر جمال نرود پایین و آدم نشود کبوترهایش را با همین قیچی دانه دانه سر می‌برد و داغشان را می‌گذارد به دلش. برای همین جمال با اخم و تخم دوباره آمد بالا دست بی‌بی را بوسید و با من دست داد گفت «ببخشین» خاله ایستاده بود تماشا می‌کرد که جمال زد زیر گریه و فقط توانست بگوید «کفترم گناه داشت»

تابستان همان سال اوضاع جور شد و خانواده دوتا خاله‌ام با ما رفتیم مسافرت. دریا بود و هوای گرم و ما که آماده بودیم بزنیم به دل آب بدون اینکه شنا بلد باشیم. همه جلیقه‌های بادی رنگی جور کردیم تا سفرمان الکی عزانشود. دکه‌ای که لب ساحل بود حسابی کاسب شد چون یکی دوتا نبودیم. تازه چندتا از بچه‌های خاله زیادی لوس و سوسول بودند و گیر دادند که حتما عینک و دماغ گیر و چند قلم ماسماسک دیگر هم می‌خواهند. بعد همه ما بچه‌ها ریسه شدیم توی آب بدون اینکه بدانیم آن روز قرار است اوضاع هوایی ریخت شود. با جلیقه‌های نارنجی و آبی کم رنگمان توی آب شناور بودیم که آب کم کم آشوب شد. آن وسط هم جمال حسابی شلوغ کرده بود. مدام یکی را سوژه می‌کرد که سر به سرش بگذارد و کله‌اش را فرو کند توی آب یا آن قدر شالاپ شلوپ کند که آب توی حلق یکی‌مان شتک بزند و به سرفه بیفتیم. بزرگ‌ترها زیرانداز پهن کرده بودند توی ساحل و چای با بیسکویت می‌خوردند. جز بی‌بی که آمده بود این طرف‌تر و چشم از ما بچه‌ها برنمی‌داشت. دست‌هایش را توی هوا تکان می‌داد و مدام چیزهایی می‌گفت که وسط سروصدا و موج آب نمی‌شد شنید. با با هم دست بردار نبود و فاصله به فاصله صدا می‌زد «حاااامد، خدا می‌داند حتما می‌خواست مرا بفرستد پیش آن دکه‌ای که تخمه و تنقلات بخرم یا خواهر کوچکم باز افتاده بود به گریه و می‌خواست بندش کند به گردن من. یکهو یکی از پسرخاله‌ها کل کل راه انداخت که می‌تواند بدون جلیقه توی آب بماند. حالا موج که به ما می‌رسید تمام قدمی رفتیم زیر آب. وقتی بندهای جلیقه‌ام را باز می‌کردم دیدم دست‌های بی‌بی تندتر حرکت می‌کنند و اگر تا همین الان نشسته بود، حالا ایستاده و سمت ما داد می‌زند. من تا سر چرخاندم دیدم جلیقه نارنجی ام با همان بندهای باز روی سطح آب سر می‌خورد و از من دور می‌شود. آب طوری توی گلویم رفت که هم‌زمان توی دماغم و ته گوش‌هایم حس گزش داشتم. صدای آب مثل همهمه توی گوش‌هایم حباب می‌زد و یک آن دوباره صدای کش دار پدرم را شنیدم حاااااامد. موج زد و یک تپه آب بین من و بقیه فاصله انداخت. یک لحظه زیر آب دست و پا زدم و آب چنان کدر و سبز بود که هیچ چیز دیده نمی‌شد. قلبم تند می‌تپید. حس کردم چیزی مرا با خودش می‌کشد و از آدم‌هایی که می‌شناسم جدایم می‌کند. ترسیدم. مزه آب مخلوطی از شوری و تلخی بود. نفسم بند آمد و آب صورتم را پوشاند. زیر آب سرفه کردم و صدای حباب‌ها توی مجرای گوشم قُل قُل کرد. یکهو آسمان بالای سرم را دیدم و چنان بلند هوارا به ریه‌هایم کشیدم که معلوم نبود فریاد زدم یا نفس عمیق کشیدم. بعد ساعد دستم خشکش زد. سرم که از آب بیرون آمد جمال را دیدم که دستم را چنگ زده. محکم دست و پایم را دور تنش تاب دادم و هردو رفتیم زیر آب. آرنج جمال محکم توی صورتم کوبیده شد. باز لنگر خوردیم و کله‌هایمان از آب بیرون آمد. داد زد «الاغ» فهمیدم به عمد توی صورتم زده. رشته لزج خون را دیدم که توی آب کشیده می‌شد. جمال تند و تند جلیقه‌اش را درآورد و دستم را گرفت و از حلقه جلیقه ردکرد. بعد دست و پا زد. من روی سطح آب نفس نفس می‌زدم. کله جمال از آب بیرون زد و با صدا نفس کشید. یک موج دیگر که آمد جمال پرت شده بود آن طرف‌تر. فقط دستش را دیدم که از آب بیرون آمد. آن سمت سرهای پسرخاله‌هایم را می‌دیدم که مثل تیله‌های ریز روی آب تاب می‌خوردند. بزرگ‌ترها توی ساحل کنار بی‌بی ایستاده بودند. سر جمال دوباره از سمت دیگر آب بیرون آمد و سرفه کرد. حلقش پر از آب بود. دوباره موج او را پوشاند. بعد دیگر ندیدمش. آسمان بالای سرداشت غوغا می‌کرد و یک آن نمی‌دانم از کجا یک کبوتر سبز از بالای سرم تیر کشید و سمت ساحل رفت. کمی طول کشید تا قایق موتوری رسید. ولی جمال هیچ وقت پیدا نشد.

جنایت هولناک در کشمیری

مرد جوان به دلیل اختلاف خانوادگی دستش به خون همسر باردارش آلوده شد

مهدی قرآنی

گزارش

دوازدهم تیر امسال بود که مردی جوان، بدن نیمه‌جان همسر باردارش را به بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد آورد. زن جوان که آثار ضرب و جرح بر روی سر و صورتش مشهود بود، به دلیل وخامت حال و خطری که هر لحظه جنین هشت ماهه‌اش را تهدید می‌کرد، بلافاصله در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان بستری شد و تحت نظر قرار گرفت.

روزها از پس یکدیگر می‌گذشتند تا اینکه پس از چند روز، زن جوان به دلیل شدت صدمات وارده در بیست و پنجم تیر تسلیم مرگ شد و جان خود را از دست داد. جنین هشت ماهه او هم فوت کرد و ضربه سنگین عاطفی به خانواده زن وارد شد.

ماجرای این فوت مشکوک اما از جایی حساسیت پیدا کرد که شوهر متوفی پس از تأیید فوت همسرش فردای آن روز بلافاصله به بیمارستان اعصاب و روان ابن سینا مراجعه و خود را بستری کرد. فوت مشکوک این زن و جنین هشت ماهه‌اش پای عوامل انتظامی را به بیمارستان کشاند و پس از تحقیقات اولیه، موضوع به مقام قضایی اعلام شد.

مستندات موجود در این پرونده و نیز اقدامات مشکوک شوهر این زن احتمال جنایت در این پرونده را قوت بخشید و جسد متوفی برای تعیین علت مرگ به دستور بازپرس جنایی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد به پزشکی قانونی منتقل شد. تحقیقات این پرونده ادامه داشت تا اینکه شوهر زن فوت شده روز پنجشنبه‌ای که گذشت از بیمارستان ابن سینا مرخص و تحت الحفظ از سوی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی استان خراسان رضوی به دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد منتقل شد.

متهم پس از رویارویی با بازپرس پرونده‌اش ابتدا منکر هرگونه جرمی از سوی خودش شد اما ظاهر امر، نقش داشتن او در مرگ مشکوک همسرش را نشان می‌داد. در این میان دکتر صفری، قاضی پرونده نتیجه معاینات پزشکی قانونی را از این سازمان استعلام کرد و مشخص شد متوفی به دلیل ضربات وارده فوت کرده است. موضوعی که از سوی شوهر زن رد شد و او مدعی شد که همسرش در حمام خانه زمین خورده است.

از آنجا که حقیقت ماجرا مثل روز روشن شده بود، انکارهای این مرد حدودا ۳۵ ساله دیگر سودی به حالش نداشت و حالا باید زبان باز می‌کرد و برای مقام قضایی شرح می‌داد که چه اتفاقی میان او و همسر مقتولش رخ داده است.

مرد جوان به ناچار لب به بیان حقیقت گشود و جرمش را پذیرفت. او با بیان این جمله که «نمی‌خواستم زنم را بکشم» اعتراف کرد: «این اواخر کمتر به من توجه می‌کرد. بود و نبودم در خانه برایش فرقی نمی‌کرد. آن شب (چهاردهم تیر) با هم بحثمان شد. دختر شش ساله‌ام هم خواب بود. بحثمان کم کم به درگیری فیزیکی بدل شد و نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد که بیهوش شد.»

همین اقرار یک خطی مهر تأییدی شد بر طرح فرضیه جنایتی هولناک در خیابان کشمیری که در آن یک مادر ۲۸ ساله و جنین هشت ماهه‌اش به کام مرگ کشانده شدند.

اگرچه هنوز اطلاعات دقیقی از این ماجرا اعلام نشده است اما تحقیقات کارآگاهان پلیس از متهم ادامه دارد. متهم پرونده نیز به دستور قاضی صفری با قرار متناسب قضایی راهی زندان شد. به زودی گزارش تکمیلی این پرونده منتشر خواهد شد.

عکس تزئینی است

کشف راز سیاه زیر پای مرغ و خروس‌ها

خبر

محمدجواد ابوعطا | سوداگران مرگ برای رسیدن به مقصود سیاهشان از هیچ شگردی ابا ندارند، آن‌ها هر روز به دنبال حیله‌ای جدید هستند تا با پرت کردن حواس مأموران انتظامی، مواد مخدر را به مقاصد شومشان برسانند. در جدیدترین این پرونده‌ها عده‌ای قاچاقچی قصد داشتند با سوءاستفاده از بار مرغ و خروس مواد مخدر خود را به مشهد برسانند اما نتوانستند از شهرستان بجستان جلوتر بیایند.

ماجرای جدیدترین پرونده قاچاق مواد مخدر در خراسان رضوی از آنجا آغاز شد که اطلاعاتی محرمانه به دست پلیس رسید و نشان می‌داد سودجویان با محموله‌ای بزرگ از مواد مخدر به سمت مشهد در حرکت هستند.

مأموران با آغاز تحقیقات و انجام اقدامات میدانی متوجه شدند که سوداگران مرگ، بار سیاهشان را در یک کامیون حامل مرغ و خروس‌های زنده جاسازی کرده‌اند.

مرحله بعدی شناسایی محور تردد این کامیون بود که جان برکفان پلیس مبارزه با مواد مخدر و مأموران انتظامی بجستان این خودرو را در یکی از محورهای این شهرستان شناسایی و متوقف کردند.

به گفته فرمانده انتظامی خراسان رضوی، مأموران در بازرسی از این کامیون موفق به کشف ۶۲۰ کیلوگرم تریاک شدند و با دستگیری یک متهم تحقیقات به منظور شناسایی دیگر متهمان این پرونده آغاز شد.

دستگیری ۳ توزیع‌کننده در مشهد

سردار محمد کاظم تقوی، در ادامه به جزئیات یک پرونده مواد مخدری دیگر در مشهد پرداخت و گفت: جان برکفان مرکز عملیات ویژه پلیس مبارزه با مواد مخدر استان توانستند این پرونده را شناسایی و سه متهم آن را دستگیر کنند.

وی افزود: اطلاعات به دست آمده در این پرونده از توزیع گسترده مواد مخدر صنعتی در بخش‌هایی از مشهد حکایت داشت.

فرمانده انتظامی استان ادامه داد: مأموران با انجام اقدامات فنی و میدانی توانستند متهمان این پرونده را دستگیر و از آن‌ها ۱۲ کیلو و ۸۰۰ گرم شیشه را کشف کنند.

به گفته تقوی، از متهمان یک خودرو سواری پژو و یک دستگاه موتورسیکلت، شناسایی و توقیف شد.

فرمانده انتظامی خراسان رضوی با اشاره به ادامه تحقیقات در این پرونده با دستور مقام قضایی، بیان کرد: اجازه جولان قاچاقچیان مواد مخدر را در هیچ نقطه استان نخواهیم داد و با متهمان به شدت برخورد خواهیم کرد.

نجات ۳ کارگر از زیر دیوار غفلت

خبر

ابوعطا | با اعلام حادثه برای سه کارگر در یک ساختمان در حال ساخت، بلافاصله نجاتگران ایستگاه هفتم آتش نشانی مشهد از میدان مادر به محل حادثه در خیابان شریعتی ۳۳ اعزام شدند. با حضور امدادگران مشخص شد که این کارگران مثل هر روز در محل کارشان حاضر و عملیات ساخت و ساز را آغاز کرده‌اند. اما ساعتی بعد یکی از دیوارهای این ساختمان به دلایل نامشخصی فروریخته است. با فرو نشستن گرد و خاک ناشی از این حادثه، سایر کارگران و مالکان کارگاه متوجه شدند که سه نفر از کارگران زیر قطعاتی بزرگ از آجر و سیمان گرفتار شده‌اند. آتش نشانان بلافاصله اقدام به ایمن سازی محل و پیشگیری از وقوع حوادث بعدی کردند. سپس با استفاده از جک‌های هیدرولیکی اقدام به جابه جایی قطعات بزرگ فروریخته از دیوار کردند. دقایقی بعد امدادگران توانستند این کارگران را از زیر آوار خارج کنند و برای درمان تحویل تکنیسین‌های اورژانس مستقر در محل کنند. به گفته معاون عملیات سازمان آتش نشانی مشهد، تحقیقات درباره چگونگی وقوع این حادثه آغاز شده است. خوشبختانه با اقدام فوری آتش نشانان، هر سه کارگر از خطر حتمی نجات یافته‌اند.

افزایش قربانیان سیل کشور

خبر

رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر از افزایش شمار جان باختگان سیل در سراسر کشور به ۳۴ نفر خبر داد و گفت که ۲۰ نفر نیز همچنان مفقود هستند که جست‌وجو برای یافتن آن‌ها ادامه دارد. مهدی ولیپور در تشریح جزئیات این خبر و آخرین وضعیت امدادرسانی به سیل‌زدگان در سراسر کشور به ایسنا گفت: در مجموع در ۶۲ شهرستان از ۱۷ استان کشور شامل سیستان و بلوچستان، تهران، فارس، کرمان، هرمزگان، قم، سمنان، مازندران، یزد، آذربایجان شرقی، خراسان جنوبی، گلستان، اصفهان، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و مرکزی عملیات‌های امداد و نجات مربوط به سیل و آب گرفتگی به اجرا درآمده است. مهدی ولیپور با بیان اینکه در تهران عملیات جست‌وجو، نجات و امدادرسانی به حادثه‌دیدگان سیل امامزاده داوود ادامه دارد، بیان کرد: در برخی از استان‌ها نجات به تنهایی صورت می‌گیرد و در برخی از استان‌ها عملیات ترکیبی از جمله جست‌وجو، نجات و امدادرسانی در حال انجام است. در مجموع ۱۹ استان، ۳۸ شهر، ۱۰۶ شهرستان، ۳۰۱ روستا و ۳۲ محور مواصلاتی درگیر سیلاب شده‌اند و همچنان متأثر از سیل هستند.

پاسخ جدول

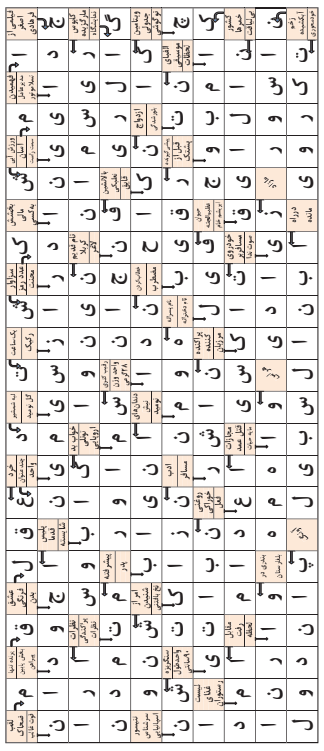
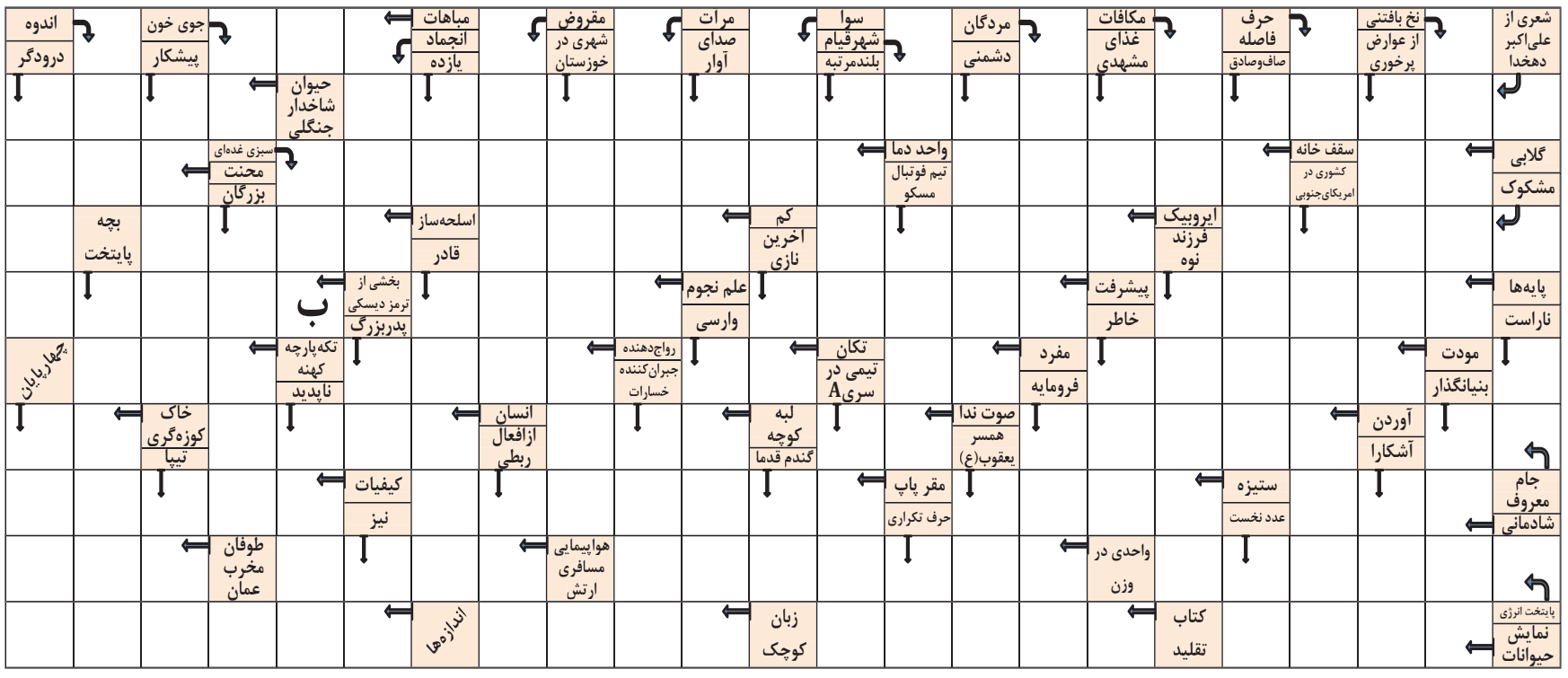
جدول